

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد
۱۹ می ۲۰۱۹

نیاز سرمایه به ناامنی و جنگ

رمز افکار و اعمال "انساندوستانه" جهان سرمایه‌داری را به آسانی می‌توان در سیمای کشورهای متشنج و جنگ‌زده‌ای همچون عراق، افغانستان، لیبیا، سودان، سومالی، سوریه، یمن و ده‌ها نقطه دیگر به عینه دید. سنایورها، قالب‌بندی‌ها و صحنه پردازی‌ها تکراری‌ست. ماهیت همه آن‌ها یکسان است و همه، هدایت و سازمان‌داده شده از جانب سودجویان و قدرت‌مداران بین‌المللی و آن‌هم در چهارچوبه تقسیم و باز تعریف جهان کنونی‌ست. دهه هشتاد و نود و هم‌زمان با آغاز جنگ‌های مخرب در یوگسلاوی، کوزوو و بعد از آن‌ها در منطقه خاورمیانه و دیگر سوی جهان، نشان از دور تازه‌ای از سیاست‌های امپریالیستی علیه میلیون‌ها انسان دردمند و محروم دارد. در یک نگاه کوتاه، حاصل این سیاست‌ها برابر با میلیون‌ها کشته و آواره، برابر با زیر و رو شدن زیرساخت‌های جوامع بشری، برابر با گسترش ترس، وحشت و ناامنی بیش از پیش میلیون‌ها کودک و زن و مرد و جوان، و خلاصه برابر با تجزیه و تکه و پاره شدن کشورها بوده است. در این میان پُر واضح است که هزینه‌های بسیار کلانی، دولت‌مداران بزرگ در این راستا و تحت عنوان "برقراری نظم نوین جهانی" و "خاورمیانه بزرگ" صرف نموده‌اند؛ هزینه‌هایی که برابر با بودجه سالانه قرن‌ها کشورهای هم‌چون افغانستان، عراق، سوریه و غیره می‌باشد. به عنوان نمونه «محمود محئی الدین»، معاون اول رئیس بانک جهانی در گزارشی گفته است: "هزینه ویرانی‌ها و از بین رفتن فرصت‌های رشد و توسعه در کشورهای عربی که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ شاهد جنگ بوده‌اند، به ۹۰۰ میلیارد دلار رسیده است".

به هر حال نتایج جنگ ۸ ساله کشورهای عربی برای کارگران و زحمت‌کشان، این‌چنین هزینه عظیمی را در بر داشته است؛ جنگی که نه تنها تصویری از کشیدن سوت پایان آن‌ها نیست، بلکه در ابعادی مخرب‌تر دارد باز تولید می‌کند خیل عظیمی از مردم منطقه را به‌کام نیستی و تباهی می‌کشانند. به طور قطع بر افروخته شدن جنگ‌های ارتجاعی و نااعادانه، مختص به کشورهای عربی - نبوده و - نیست؛ همه قاره‌ها به درجات متفاوت، درگیر جنگ‌های ارتجاعی و سود ده اند؛ درگیری‌های نظامی نزدیک به ۴۰ دولت به سردهی آمریکا، بریتانیا، فرانسه و دسته‌جات و گروه‌های وابسته به آنان در جنگ ۴ ساله یمن، که بنابه گزارش «ملل متحد، یونیسف و سازمان بهداشت جهانی»، ۷۵ درصد مردم یعنی ۲۲ میلیون نفر به شدت نیازمند کمک‌های انسانی‌اند، قریب به ۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در معرض مرگ قرار گرفته و نیازمند کمک فوری‌اند، ۶۰ درصد یعنی ۱۷ میلیون نفر از امنیت

غذائی در تهدید به سر می‌برند و ۱۶ میلیون نفر به آب آشامیدنی دسترسی ندارند و همچنین ۲۵ درصد کودکان از تحصیل باز مانده‌اند" را بایست و می‌باید، به حساب رمز سیاست‌های "انسان‌دوستانه" دولت‌های "متمدن" جهان، به مردم این‌کشور نوشت. به عبارت دیگر جوامع انسانی به‌دلیل زیاده‌خواهی‌های اندک شماری از آحاد جامعه، با چنین رخداد‌های دهشتناک و دردناکی روبروست؛ هم‌جا قدرت‌مداران بین‌المللی با ایجاد بحران و تشنج، با بمب‌گذاری در امکان عمومی، و به دنبال با راه‌اندازی جنگ‌های قومی - قبیله‌ای و مذهبی می‌خواستند و می‌خواهند، جهان آزاد و جهان مبتنی بر آسایش و امنیت را به مردم اهداء کنند!! می‌خواستند - و می‌خواهند - مردم را از شر "دیکتاتور"ها نجات دهند و فضای دموکراسی و آزادی را در سراسر جامعه خفقان‌زدشان حاکم گردانند!! در بستر چنین قالب‌های سیاسی بود که میدان کشورها را، یکی پس از دیگری به آشوب کشانده‌اند تا امنیت دل‌خواه مردم را برقرار سازند!! امنیتی که ثمره و میزان مخرب آن را، خود بلندگوها و رسانه‌های امپریالیستی روزانه به جهان مخابره می‌کنند.

متأسفانه تخریب بنیان‌های جامعه و جنگ همه‌گیر شده است و کشورها یکی بعد از دیگری به جولانگاه جنگ‌های امپریالیستی تبدیل گردیده‌اند. به طور مثال بیش از ۱۵۰۰ گروه نظامی به‌همراهی دولت‌های سرمایه‌داری به جان مردم لیبیا افتاده‌اند؛ ده‌ها دولت و صدها دسته و گروه، درگیر جنگ‌های ارتجاعی و مخرب در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه، سودان و غیره و آن‌هم به بهانه محترم شمردن به حقوق مردمی‌اند. این‌ها اشاره‌هایی هر چند کوتاه، از اعمال جنایت‌باری‌ست که قدرت‌مداران بین‌المللی بر سر میلیون‌ها مردم محروم و دردمند آورده‌اند. اما و فارغ از یاهوگوئی‌های سازمان‌دهندگان اوضاع کنونی، پرسش‌های کلیدی آن است که خیر کدامیک از تشنج‌ها و جنگ‌های به راه افتاده، به جیب کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستم‌دیده رفته است؟ تا به حال کدام جامعه از شر دیکتاتور‌ها نجات یافته است و طعم دموکراسی و آزادی به سرقت برده شده را چشیده است؟ مگر ثمره و عاقبت درگیری‌ها و جنگ‌های ناعادلانه، در برابر جهان انسانی نیست؟ مگر می‌توان - و یا این‌که می‌شود -، جنگ بالائی‌ها را به حساب جنگ‌های انقلابی سازمان‌داده شده توسط نمایندگان حقیقی کارگران، زحمت‌کشان و پائینی‌ها نوشت؟ و...

مراجعه مختصر به مدارک موجود، و همچنین نگاه به آثار مخرب جنگ‌ها بر زندگی مردم و کودکان، در خلاف این حقیقت نیست که هیچ جامعه‌ای، با یورش و با سازمان‌دهی قدرت‌مداران بین‌المللی، نه تنها از شر دیکتاتور‌ها خلاص نشده و مزه دموکراسی و آزادی را نچشیده است، بلکه در ابعادی گسترده‌تر، با جامعه‌ای بسته‌تر و ناامن‌تر روبرو گردیده است. آمار و ارقام تلفات جنگ‌های بی‌پایان در افغانستان، عراق، لیبیا و غیره، چیزی جز، روایت جابه‌جائی عناصر و رژیم‌ها به منظور پیگیری سناریوهای از قبل نوشته شده دولت‌های امپریالیستی پیرامون رونق بخشیدن به کسادی بازار منطبق با دنیای امروزی نیست. در حقیقت امپریالیست‌ها در دوران تورم، و در دوران ناتوانی میلیون‌ها انسان در تهیه نیازهای اولیه زندگی، بر بار سیاست‌های نظامی‌شان افزوده‌اند تا بر بحران اقتصادی‌شان فائق آیند. بی‌دلیل نیست که کارخانه‌جات تسلیحاتی‌شان را فعال‌تر کرده‌اند تا از قبل آن‌ها سودهای کلانی به جیب زنند؛ این‌روزها - و دهه‌هاست که -، خرید و فروش نجومی جنگ افزارهای نظامی به کشورهای منطقه و تحت سلطه، به سر تیتز و ظایف و کار و بارشان تبدیل شده است. در چنین اوضاع و احوالی پیداست که هدف، خالی کردن خزانه‌های جوامع سرشار از منابع طبیعی و آن‌هم به بهانه مقابله با رژیم‌های "شرور" و "دیکتاتور"هاست؛ پیداست که هدف، جلوگیری از جنبش‌های رادیکال در منطقه و سهم‌بری بیش از پیش، و در ادامه پس زدن جناح‌های رقیب امپریالیستی‌ست، خلاف ادعاهای سواهای متفاوت در جنگ، چنین افکار و اعمالی

نمی‌تواند در خدمت به رفاه و آسایش و همچنین در خدمت به آزادی به گروگان گرفته شده میلیون‌ها انسان دردمند بوده و باشد؛ به این علت که جنگ‌های کنونی، جنگ مردم با حکومت‌مداران غارتگر و ستمگر نیست؛ این جنگ خودی‌هایشان است و ربطی به جنگ مردم با دولت‌مردان وابسته و سودجویان ندارد؛ این جنگ‌ها در جهت تعرض بیش از پیش، به تنمهای مردم و در ادامه طولانی‌تر کردن عمر طبقه سرمایه‌داری از کار و از رمق افتاده است. به عبارت رکتر باید گفت که فقر در ابعادی گسترده، زندگی میلیاردها انسان را احاطه کرده است و به تبع تنفر و نارضایتی مردم، بر فضای تمامی کشورهای ستمگر و ظالم سایه انداخته است و آنوقت، آنوقت طبقه سرمایه‌داری با تمام توان در تلاش است تا با اتخاذ سیاست‌ها و اعمالی منطبق با جهان امروزی - یعنی با جاروجنگال‌های سیاسی، با ایجاد بحران، بی‌نظمی و جنگ -، جامعه اعتراضی را از روند روبه‌جلوش باز دارد؛ بحران، بی‌نظمی و جاروجنگال‌های سیاسی که تجلی آن‌ها را می‌توان در کشورهای متفاوت - و با دولت‌های دست‌نشانده‌شان -، و همچنین در خرید و فروش سلاح‌های جنگی، مشاهده کرد. به طور نمونه «مؤسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم»، در گزارشی اعلام کرده است: "حجم صادرات ساز و برگ نظامی در سطح جهان در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ نسبت به ۲۰۱۳ تا ۲۰۰۹ و ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به ترتیب به میزان ۷.۸ و ۲۳ درصد افزایش یافته است." و در گزارش دیگری خبر از افزایش ۵۵ درصدی تسلیحات نظامی دولت الجزایر، فروش میلیاردی سلاح به مصر، عمان، امارات و غیره توسط کارخانه‌جات تسلیحاتی امپریالیستی می‌دهد.

سؤال این است در جوامعی که میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش و کودک، از تهیه نان شب‌شان، و از رفتن به سر کلاس‌ها باز مانده‌اند، چگونه ارسال سلاح و دیگر ادوات نظامی می‌تواند جوابگوی نیازهای روزمره‌شان باشد؟ شوربختانه منطقه به انباشت سلاح تبدیل شده و تهیه و دسترسی آن‌ها، به مراتب آسان‌تر از تهیه مواد اولیه غذایی‌ست؛ باور کردنی نیست و رقم آن‌ها، به چندین برابر جمعیت کشورهای درگیر در جنگ رسیده است. باری، دولت‌مردان بزرگ و صاحبان کارخانه‌جات تسلیحاتی، مسابقه و جنگ فروش سلاح، به کشورهای تحت ستم به راه انداخته‌اند که در این میان "امریکا، روسیه، فرانسه، المان و چین، عنوان بزرگترین کشورهای صادرکننده در طول سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، ۷۵ درصد کل صادرات جهان را به خود اختصاص دادند".

بدین منظور جنگ را به یکی از سیاست‌های اصلی خود تبدیل نموده‌اند و بر مبنای چنین واقعیتی، نیاز به صحنه‌سازی‌ها، دشمن‌تراشی‌های کاذب و به اصطلاح مبارزه برای کسب آزادی و برقراری دموکراسی در درون جوامع خفقان‌بار، و خلاصه، خلاصی از رژیم‌های "شور" است!! منتها، پیداست که حقیقت موضوع و ثمره جنگ‌های تاکتونی، با ادعاهای گردانندگان اصلی آن‌ها، همسو نیست به دنباله، آمار و ارقام خرید و فروش تسلیحات به رژیم‌های شور و دیکتاتوری همچون عربستان، الجزایر، عمان، قطر و غیره، به مراتب گویاتر از پیاوه‌گویی‌های قدرت‌مداران بین‌المللی‌ست. آشکار است که لازمه و اجرای چنین سیاستی، وابسته به ایجاد بحران، هرج و مرج سیاسی و بی‌نظمی در درون جوامع خفقان‌زده است؛ می‌باید به انحای گوناگون فضا را ملتهب و ناامن کرد تا از یکسو سلاح‌ها و ابزار و آلات تولید شده را به‌فروش رساند و از سوی دیگر، مانع نضج و رشد جنبش‌های رادیکال و احتمالی کارگری و توده‌می گردید.

مختصراً این‌که، نیت و ماهیت گردانندگان جنگ‌های امپریالیستی، با نیت و ماهیت جنگ میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش متضاد از هم است. نظام‌های امپریالیستی به همراه دولت‌های وابسته‌شان، سازمان‌ها و دسته‌جات مسلح خود را، سازمان داده‌اند و به انحای گوناگون، آن‌ها را به جان توده‌های ستم‌دیده و محرومان انداخته‌اند و در مقابل توده هم‌نیازمند، سازمان و نیروی عمل خود است. با این تفصیلات تغییر فضاء و ریل جنگ‌های امپریالیستی، وابسته

به عروج سازمان کمونیستی، و وابسته به پیروان جنگ‌های انقلابیست. نیاز و ضرورت است تا با رد عملی سوهای درگیر در جنگ، سوی سؤم و نیروی خودی را سازمان داد و مانع اجرای سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها شد. ترس و واهمه نظام‌های امپریالیستی و دولت‌های وابسته بدانان، از بالا آمدن جنبش‌های کارگری و مردمی سالم، و همچنین دخالت‌گری سازمان‌یافته و عملی مدافعان‌شان است. کاملاً عریان شده است که همه سوها، جناح‌ها و دار و دسته‌های امپریالیستی، در تقابل با منافع مردم و در تقابل با رشد و شکوفائی جامعه خفقان‌زده به صف شده‌اند؛ هم چنین و کاملاً عریان شده است که برکناری عنصر فاسد و سرکوب‌گری از مسند قدرت، و جایگزین نمودن عنصر فاسد و سرکوب‌گر دیگری از جانب دولت‌های بزرگ، به معنای تحقق حقوق پامال شده و دیرینه توده‌های ستم‌دیده و محروم نیست. به این علت که این دولت‌ها برای تضمین و تأمین منافع و حقوق کارگران و زحمت‌کشان نیامده‌اند و فکر و ذکرشان، سود و غارت بیش از پیش سرمایه‌های جوامع سرشار از منابع طبیعیست. بنابراین تخطئه و عقیم گذاشتن سیاست‌های بحران‌زا و جنگ‌های امپریالیستی، مشروط به انتخاب سیاست حضوری - میدانی، و مشروط به انتخاب جنگ‌های انقلابی توسط کمونیست‌هاست. تنها در چنین صورتیست که می‌توان، از مرز بحران‌ها و بی‌نظمی‌های دل‌خواه امپریالیستی عبور نمود و آنوقت، آشوب و شورش‌های انقلابی مختص به کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستم‌دیده را، در صحن جامعه حاکم گرداند و سر آخر، ستم‌دیدگان و قربانیان نظام‌های امپریالیستی را، به سمت رهائی از زیر سلطه طبقة سرمایه‌داری و حامیان ریز و درشت‌شان رهنمون ساخت.

۱۸ می ۲۰۱۹ - ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸